

## جایگاه زنان ایران در فرآیند توسعه

حسین محبوبی منش<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۳۰

اصحاب حبیب زاده ملکی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۵

### چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی جایگاه زنان ایران در جهان، در قالب رویکرد جنسیت و توسعه، و البته در عرصه‌های آموزشی، اقتصادی، سیاسی - مدیریتی و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی با نگاهی انتقادی، هم‌سو و درون‌گفتمانی است، که چه‌بسا برای زنان پلیس که کنش و واکنش فراوانی با زنان دارند، الهام بخش باشد. این مقاله از نوع مفهومی و مروری است و از طریق فیش‌برداری و مطالعه کتابخانه‌ای تعاریف، تحلیل‌ها و نظریه‌پردازی‌ها درباره وضع زنان ایران بر مبنای شاخص‌های ترکیبی توسعه انسانی، جنسیتی، توانمندی جنسیتی و شکاف جنسیتی در سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۰ میلادی، از منابع و گزارش‌های علمی استخراج و پرداخته شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که بر اساس گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ ایران در شاخص توسعه انسانی بین ۱۶۹ کشور رتبه هفتم را کسب کرده و از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۰ میلادی در این شاخص سیری صعودی داشته است؛ اما در شاخص شکاف جنسیتی در سال ۲۰۱۰ ایران، در بین ۱۳۴ کشور رتبه ۱۲۳ را داراست. همچنین اینکه مسئله جنسیت و توسعه یا نابرابری جنسیتی، در فرآیند توسعه در کلیه جوامع (اعم از شمال و توسعه یافته یا جنوب موسوم به کشورهای در حال توسعه، کم توسعه یا توسعه نیافته) درخور مشاهده است، اما این پدیده، طیفی است که هرچه به سمت کشورهای جنوب یا به اصطلاح در حال توسعه، کم توسعه و توسعه نیافته برویم، نابرابری جنسیتی در عرصه‌های آموزشی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی از لحاظ شکل وسیع‌تر و از لحاظ محتوا، عمیق‌تر می‌شود.

### کلید واژه‌ها:

جنسیت - توسعه - ارتباطات توسعه - توسعه انسانی - توسعه جنسیتی - توانمندی جنسیتی - شکاف جنسیتی

۱- استادیار دانشگاه علوم نظامی

۲- استادیار دانشگاه علوم نظامی

## مقدمه

از جمله مسائل اساسی کشور ما در فرآیند توسعه، مسئله جنسیت<sup>۱</sup> است که ابعاد و مؤلفه‌های متنوع و پراضلاعی دارد که از یک سو موجب نگرانی نخبگان علمی - اجتماعی و از سوی دیگر سبب دغدغه خاطر زنان و دختران شده و متعاقباً راه حل‌های اجتماعی و عقلانی نیز برای اصلاح و بهبود وضع زنان و دختران در فرآیند توسعه لازم است و لذا، مطالعه علمی آن ضروری است. بی‌اعتنایی یا پرده پوشی در مسئله جنسیت و توسعه موجب انباشت مطالبات زنان و دختران و بروز ناخشنودی اجتماعی در این طبقه از جامعه - که حدود نیمی از جمعیت کشور<sup>۲</sup> را تشکیل می‌دهند، می‌گردد که جامعه ما را از نیل به اهداف توسعه پایدار باز می‌دارد، لذا نباید آن را از دایره بررسی علمی کنار گذاشت و صورت مسئله را پاک کرد. اما در مقابل، چنانچه به ارزش‌ها و استعدادهای بالقوه این طبقه عظیم جامعه، یعنی زنان - که به شکل مستقیم و غیر مستقیم در تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه نقش دارند - توجه شود، از جمله فرصت‌های باارزش و منابع حیاتی برای امنیت و متعاقباً توسعه پایدار خواهند بود که پایش آن می‌تواند برای زنان پلیس که حمایت از زنان را در مأموریت دارند نیز الهام بخش باشد.

در کشور اسلامی ما هر چند از منظر دینی هیچ مانعی برای فعالیت و مشارکت اجتماعی زنان دیده نمی‌شود و در عین حال اهمیت و نقش زنان در امر توسعه بیش از پیش درک شده و سطح آگاهی‌های اجتماعی درباره نابرابری‌ها و تبعیض در سطوح و ابعاد گوناگون افزایش یافته است، اما جنسیت در برنامه‌ریزی‌های توسعه آن‌گونه که باید مدار توجه نبوده است؛ در مواردی هم که برنامه‌های توسعه ادعای لحاظ کردن زنان در برخی از سنجش‌های اجتماعی (مانند آموزش و بهداشت) را داشته‌اند، سیاست‌های طراحی شده بیش‌تر شکل پیوست به برنامه را به خود

1 - Gender

۲ - براساس سرشماری عمومی و نفوس و مسکن که در آبان سال ۱۳۸۵ انجام شده است، جمعیت کشور ایران ۷۰۴۹۵۷۸۲ تن است که ۵۰/۹ درصد آن را مردان و ۴۹/۱ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

گرفته، تا رویکردی که مطابق با آن در متن برنامه دیده شوند (شادی طلب، ۱۳۷۹)؛ در واقع، مبنای تفکیک نقش‌های جنسیتی، معطوف به ذهنیت‌های قالبی و جنبه‌های فرهنگی مرد محورانه است.

### طرح مسئله

در عرصه جهانی زنان با مسائل متعددی روبه رو هستند، از جمله ساختارهای اجتماعی پدرسالارانه، که موانع توانمندسازی زنان را افزایش داده است، نظیر تجارت جنسی، تقسیم کار جنسیتی، استثمار زنان به شکل نوین، قاچاق زنان و نظایر آن (زاهدی، ۱۳۸۶). زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه بشری در بسیاری از کشورها از نابرابری در عذاب اند. در زمان حاضر حدود ۶۳ میلیون دختر در سنین تحصیلات ابتدایی، امکان حضور در مدرسه ندارند و هر ساله پانصد هزار زن - یعنی یک تن در دقیقه - در طول دوران بارداری یا هنگام زایمان جان خود را از دست می‌دهند. از هر شانزده زن یک تن در منطقه جنوب صحرای افریقا در طول زندگی خود با خطر مردن در هنگام وضع حمل روبه روست (عقیلی، ۱۳۸۴: ۲۲۴).

قرن بیستم که با رشد فزاینده و سریع علوم و فناوری‌ها، همراه بوده است، اشکال جدیدی از فقر، نابرابری، انحصارهای اجتماعی و تبعیض را خلق کرده است و آینده به‌گونه‌ای فزاینده پیچیده و نامطمئن به نظر می‌رسد، این اشکال مربوط به فقر، نابرابری و پیامد چندین دهه برنامه توسعه است که درباره نیمی از جمعیت جهان، یعنی زنان و دختران مضاعف بوده و به علل ساختارهای ذهنی - فرهنگی، پیچیدگی، آشوبناکی و ابهام، هم در سطح و عمق، و هم در شکل و محتوا داشته است که تلاش و تعهدی فراوان در سطوح فردی، ملی و جهانی می‌طلبد. به‌گونه‌ای که در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی، سران دولت‌های جهان «اعلامیه هزاره»<sup>۱</sup> را در

1 - Integrated Approach

۲- گزارش یونسکو (۱۳۸۷)د

3 - Millennium Declaration

سازمان ملل متحد تصویب کردند. این اعلامیه مشتمل بر هشت آرمان توسعه هزاره بود که براساس تعهدی جهانی باید تا سال ۲۰۱۵ میلادی به آنها دست یافت و یکی از مواد آن، ترویج برابری جنسیتی و توان‌مندسازی زنان است؛ ایران نیز در قالب کمیته ملی توسعه اهداف هزاره، متعهد به پی‌گیری اهداف آن شده است.

در این مطالعه، نویسندگان در صدد پاسخ به این سؤال هستند که زنان در توسعه و ارتباطات توسعه -به ویژه در شاخص‌های توسعه انسانی- توسعه جنسیتی، توانمندی جنسیتی و شکاف جنسیتی در ایران، در مقایسه با کشورهای در حال توسعه، از چه جایگاه و موقعیتی برخوردارند.

### ضرورت و اهمیت موضوع

توسعه پایدار از جمله بسترهای تعالی و رشد انسان، آنگاه می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که با یاری و مشارکت همه گروه‌های اجتماعی صورت پذیرد. در میان گروه‌های اجتماعی، زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و به علت ارتباط مستقیم آنان با گروه‌های سنی جوانان، نوجوانان کودکان و نیز تأثیر نیم دیگر جمعیت، یعنی مردان، از مهم‌ترین و مؤثرترین گروه‌های اجتماعی به شمار می‌آیند، و این واقعیتی است که در جوامع در حال توسعه کم‌تر مورد توجه قرار گرفته‌اند. به همین لحاظ به رغم برنامه‌ریزی‌ها و حمایت‌های صورت گرفته زنان کماکان در بعضی کشورها نتوانسته‌اند به جایگاه و نقش مناسب واقعی خود در اداره امور کشور و تصمیم‌گیری -ها دست یابند. آمار و ارقام گزارش‌های یونسکو<sup>۱</sup> و سازمان ملل اهمیت و ضرورت پرداختن به جایگاه و مقام و موقع زنان در مطالعات را بیش از پیش نشان می‌دهد.

۱- بر اساس گزارش یونسکو (۱۳۸۷)، زنان سه پنجم از یک میلیارد افراد فقیر جهان را، در سال ۲۰۰۸ تشکیل می‌دهند؛ زنان، دو سوم از ۹۶۰ میلیون تن افراد بالغ جهان را -که نمی‌توانند بخوانند- شامل می‌شوند؛ ۵۷ درصد از ۷۷ میلیون کودک جهان که به مدرسه نمی‌روند، دختران هستند؛ زنان، ۵۷ درصد از افرادی را که در منطقه زیر صحرای افریقا با ویروس ایدز زندگی می‌کنند، تشکیل می‌دهند؛ زنان جوان بین ۱۵ تا ۲۴ سال حداقل سه بار بیشتر از مردان در همان سن، در معرض ابتلا به این بیماری قرار دارند؛ زنان فقط یک چهارم از پژوهشگران سطح جهان را شامل می‌شوند؛ یکصد میلیون کودک در خیابان‌ها زندگی می‌کنند. هشتاد درصد از آوارگان دنیا زن و کودک هستند. بر اساس گزارش سازمان ملل، زنان بیش از پنج‌ده درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، حدود ۶۶ درصد کل ساعات کار (اعم از کار دستمزدی و غیر دستمزدی) را در برمی‌گیرد در حالی که فقط ۳۲ درصد نیروی کار مزد بگیرند و چون مردان، اغلب کار دستمزدی می‌کنند، زنان در تصمیم‌گیری هم سهم ناچیزی دارند و سرانجام فقط یک دهم درآمد جهانی را دریافت می‌کنند و کم‌تر از یک درصد زمین‌های جهان به آنان تعلق دارد، اما فشارکار روزبه‌روز بر دوش آنان سنگینی می‌کند. در هر روز به طور متوسط ده تا دوازده ساعت کار می‌کنند (زنجانی زاده، ۱۳۷۳).

## اهداف مطالعه

هدف اصلی این مطالعه، بررسی موقعیت زنان در کشور در فرآیند توسعه با رویکرد «جنسیت و توسعه» و با تأکید بر پارادایم کثرت گرا، مبتنی بر حق توسعه و حق مشارکت زنان است. از طرف دیگر بررسی جایگاه زنان ایران در جهان از لحاظ آموزش، اشتغال، عرصه‌های سیاسی - مدیریتی و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی در فرآیند شاخص‌های توسعه انسانی، توسعه جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی است.

## مبانی نظری

از منظر ارتباطی می‌توان توسعه را به مفهوم فرآیند تغییر ارتباط انسان با خود، با خدا، با انسان و همچنین تغییر رابطه با هستی و طبیعت تلقی نمود. به قول مولانا (۱۳۸۴) آنچه امروزه واقعاً مورد نیاز است و موعد آن مدت‌هاست فرارسیده، ارتباطات است که زیربنای همه روندهای توسعه، صلح و عدالت است. ارتباطات و توسعه در واقع از هم جدایی ناپذیرند. توسعه با همه پیچیدگی‌های خود، ارتباطات است و ارتباطات، توسعه است (مولانا، ۱۳۸۴: ۱۳۳-۱۳۰).

چنانچه مطابق تعریف تهرانیان (۱۹۹۴)، «ارتباطات» را به عنوان روند تبادل مفاهیم از طریق علایم گفتاری و غیرگفتاری در نظر بگیریم که از طریق جهان بینی‌ها، فرهنگ‌ها، محتواها و مجاری ارتباطی عمل می‌کند و «توسعه» را نیز به عنوان فرآیند ارتقای نظام اجتماعی، برای برآوردن نیازهای فزاینده عمومی در مسیر رسیدن به سطوح متکامل‌تری از بهبود و رفاه مادی و معنوی تلقی می‌کند. «ارتباطات توسعه» به معنی افزایش سطح مردم سالاری اقتصادی (اشتغال مولد)، مردم سالاری سیاسی (دستیابی و مشارکت)، مردم سالاری اجتماعی (گسترش فرصت‌ها) و مردم سالاری فرهنگی (کثرت‌گرایی) است. تعریف مذکور در واقع متکی به نظریه کنش اجتماعی و طرح «اجیل» پارسونز است که نظم اجتماعی بر پایه چهار رسانه ثروت، قدرت، تعهد و معرفت تبیین می‌شود و براساس آن، هدف توسعه در واقع استقرار نظم اجتماعی فراگیر، همدلانه، عادلانه و پویاست (خانیک، ۱۳۸۴؛

علیزاده، ۱۳۸۴؛ تهرانیان، ۱۹۹۴؛ چلبی، ۱۳۷۵؛ محبوبی‌منش، ۱۳۸۰). ارتباطات توسعه خصوصاً در مدل توسعه کثرت‌گرای آن مبتنی بر قدرت بخشی است که از جنبه اهداف، همانا قدرت بخشی به زنان و مردان در دوشادوش هم برای مشارکت در فرآیند توسعه با رویکرد عدالت اجتماعی محسوب می‌شود (ملکات، ۱۳۸۴: ۷۳-۶۳). در همین زمینه محرومیت و فقدان مشارکت شایسته زنان، در قالب نیمی از جمعیت در امر توسعه، منجر به مطالعه نسبی میان «جنسیت» و «توسعه» و «برابری جنسیتی» در قالب یک مسئله در میان نظریه پردازان شده است، و لذا رصد و پایش جایگاه زنان در فرآیند ارتباطات توسعه، هم در وجه ارتباطی و هم در وجه توسعه‌ای آن، و مطالعه نقش زنان در فرآیند توسعه در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، هم از جنبه ایجابی و هم از جنبه سلبی آن، می‌تواند از مباحث با اهمیت و عمده‌ای، هم برای محققان و پژوهشگران و هم برای پلیس زن تلقی شود که در حوزه امنیت عمومی عمدتاً با نیمی از جمعیت کشور، درصددند که کنش و واکنش داشته باشند.

به طور کلی در رشته توسعه شاهد سه پارادایم غالب و شکل‌گیری پارادایمی جدید هستیم که در نظر اول تلفیق سه دیدگاه پیشین است که در شرف تعدیل، اصلاح و تکمیل است. در اواخر دهه ۱۹۵۰ رشته توسعه زیر سلطه «پارادایم نوسازی» قرار داشت. در اواخر دهه ۱۹۶۰ «پارادایم وابستگی» با سلطه آن به معارضة برخاست. در اواخر دهه ۱۹۷۰ با پیدایی «پارادایم نظام جهانی» دیدگاه دیگری درباره مسئله توسعه پایدار شد و سرانجام از اواخر دهه ۱۹۸۰ نیز شاهد شکل‌گیری دیدگاه توسعه از نوعی دیگر، به نام «پارادایم کثرت‌گرا» هستیم که با توجه به اهمیت آنها در جهت‌گیری جوامع در امر توسعه، مرور هرچند سریع و اجمالی پارادایم‌های توسعه ضروری به نظر می‌رسد.

#### \_\_ پارادایم نوسازی

جان کلام پارادایم نوسازی آن است که توسعه یافتگی یعنی صنعتی شدن و مدرن شدن به سبک غربی است که همه جوامع برای نیل به آن باید همان راه غرب

را بپیمایند که مستلزم گذر از جامعه سنتی و گسست از ارزش‌های سنتی و نوسازی آحاد جامعه در احساس، اندیشه و عمل است (لرنر، ۱۳۸۳؛ افروغ، ۱۳۷۲؛ زارع، ۱۳۷۲؛ گی روشه، ۱۳۷۶؛ ملکات، ۱۳۸۴؛ لاور، ۱۳۷۳؛ سرواس، ۱۳۸۴؛ فاضلی، ۱۳۸۷ و خانیکی، ۱۳۷۶).

در نقد و شالوده شکنی پارادایم نوسازی، موارد زیر شایان ذکر است: اهمیت انتزاعی و غیر تاریخی گزاره‌ها، ماهیت قوم مدارانه، پدرسالارانه و خود محور در برابر جوامع در شرف توسعه، جبرگرایی فرهنگی، مترادف گرفتن توسعه یافتگی با غربی شدن، خردگرایی و پیشرفت با رشد اقتصادی، رفاه و برخوردارگی کامل با بیش‌ترین مصرف مادی؛ انکای صرف به روش‌های پوزیتیویستی و تقلیل گرایی روش شناختی از نوع فردگرایی آن، غفلت از محدودیت‌های ساختاری و ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی کشورهای در حال توسعه و نادیده گرفتن استعمار و وابستگی آنان در قالب عامل توسعه نیافتگی در کشورهای مزبور است (برای آگاهی از جزئیات بیشتر به: افروغ، ۱۳۷۲؛ زارع، ۱۳۷۲؛ ازکیا و غفاری، ۱۳۸۶؛ ملکات، ۱۳۸۴؛ چلبی، ۱۳۷۵؛ براید و تی و همکاران، ۱۹۹۴؛ لاتوچ، ۱۹۹۲؛ فوکالت، ۱۹۸۰ و الوارز، ۱۹۹۲ مراجعه شود). امروزه پارادایم نوسازی هرچند در محافل دانشگاهی محبوبیت چندانی ندارد، اما در عرصه عمل همچنان غالب است (برای مطالعه بیشتر به: سرواس، ۱۳۸۴؛ سو، ۱۳۷۸؛ ازکیا و غفاری، ۱۳۸۶).

پارادایم وابستگی، انتقاداتی جدی بر پارادایم نوسازی وارد ساخته و کلیه مفروضات آن را به شکل واژگونه درآورده است. پارادایم وابستگی تئوری‌های (نظریه‌های) گوناگون دارد که همه آنها در دو چیز وجه مشترک دارند: یکی «روابط نامتقارن بین جوامع (مرکز - پیرامون)» دوم اینکه ادعا می‌کنند «وابستگی مانع توسعه پایدار است». همچنین بر مبنای سه مکانیسم اساسی، وابستگی را مانع توسعه می‌دانند که عبارت‌اند از: ۱- مکانیسم سرمایه‌زدایی؛ ۲- مکانیسم سرکوب عمل طبقاتی مستقل؛ ۳- انسداد ساختاری (چلبی ۱۳۷۵: ۳۰۱-۳۰۰).

### - پارادایم وابستگی

در نقد پارادایم وابستگی چلبی (۱۳۷۵: ۳۰۵-۳۰۲) سه ناهمخوانی دیده می‌شود: یکی فروپاشی بلوک شرقی، دوم ظهور چهار اژدهای شرق، یعنی سنگاپور، هنگ کنگ، تایوان و کره جنوبی که به رغم وابستگی، به رشد اقتصادی چشم‌گیری دست یافته‌اند. سوم تقلیل‌گرایی<sup>۱</sup> وجود شناختی که به جبرگرایی اقتصادی منتهی و تقلیل‌گرایی روش شناختی و در نهایت به کل‌گرایی ختم می‌شود. همچنین از جمله نقدهای وارد شده دیگر بر پارادایم وابستگی عبارت‌اند از: نادیده گرفتن عوامل درونی در قالب مانع توسعه، نادیده گرفتن تشکلهای طبقاتی محلی و بهره‌وری نیروی کار، دوگانه‌نگری در تحلیل، کلان‌نگری، ایستا بودن و اصالت ندادن به ساخت درونی جهان سوم، بهره‌گیری انتزاعی از مفهوم وابستگی در قالب فرمول همه کاره و تأکید افراطی و صدقه‌ای بر تأمین نیازهای روستانشینان، بیکاران و تهی‌دستان و غفلت از تولید محصولات صنایع، بهره‌وری و نادیده گرفتن رفاه حال نخبگان و شهرنشینان (برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: سو، ۱۳۷۸؛ افروغ، ۱۳۷۲؛ ازکیا و غفاری، ۱۳۸۶؛ سرواس، ۱۳۸۴)

### - پارادایم نظام جهانی

سومین پارادایم، پارادایم نظام جهانی است که برخلاف پارادایم نظام وابستگی، کل جهان را واحد تحلیل قرار می‌دهد و ضمن برخورداری از گستره تحقیقاتی بسیار وسیع‌تر از یک ساخت سه وجهی: مرکز، پیرامون و نیمه پیرامونی استفاده می‌کند که حاکی از یک نظام تقسیم کار بین‌المللی است نظامی که در آن مرکز به روشی پویا از طریق نیمه پیرامون به استثمار کشورهای پیرامونی خود می‌پردازد. این پارادایم دیدگاه‌های تعیین‌گرایانه را نیز درباره جهت و مسیر توسعه کنار می‌گذارد. توسعه ملی امروزه یک توهم است. صرف نظر از اینکه از چه روشی طرفداری و استفاده شود، اما توسعه چه‌بسا یک ستاره راهنما باشد، مشروط بر آنکه تأکید بر رشد از طریق



برابری بیشتر و مشارکت بیشتر باشد (برای جزئیات بیشتر بنگرید به: چلبی، ۱۳۷۵؛ سو، ۱۳۷۸؛ ازکیا و غفاری، ۱۳۸۶؛ سرواس، ۱۳۸۴).

از جمله نقدهای وارد شده بر پارادایم نظام جهانی عبارت‌اند از: تبدیل شدن مفهوم نظام جهانی به مفهومی سخت و شیء گونه، غفلت از موارد خاص توسعه در طول تاریخ، برجسته کردن تحلیل طبقات اجتماعی در مقابل تحلیل‌های طبقاتی (زایتلین، ۱۹۸۴ به نقل از سو، ۱۳۷۸)، نادیده گرفتن امپراتوری عثمانی در رشد و گسترش سرمایه‌داری، تقسیم‌بندی نامتعارف از زمان رشد سرمایه‌داری، کم تأکیدی بر روابط طبقاتی در داخل جوامع معین و اقتصاد گرایی افراطی، که موجب بینش تک عاملی می‌شود و فرهنگ و سیاست را در عرصه حیات اجتماعی نادیده می‌گیرد (ازکیا و غفاری، ۳۵۲:۱۳۸۶-۳۵۱).

البته از آنجا که فرآیند توسعه یک خط سیر منظم، ایستا، یکسان و ساده نیست، بلکه فرآیندی آشوبناک، پیچیده، متنوع و متکثر است و با توجه به ظهور اندیشه پست مدرن که با نقد مدرنیته؛ ایده ترقی و عقلانیت ابزاری، که تجدد غرب را مشروعیت می‌بخشد، بر نمی‌تابد، لذا شاهد شکل‌گیری پارادایم کثرت‌گرا و توسعه از نوعی دیگر و به عبارتی فرا توسعه روبه‌رو هستیم که ماهیتی متکثر و معطوف به ویژگی‌های فرهنگی تاریخی و بوم‌شناختی جوامع دارد. در این پارادایم، که می‌تواند الهام بخش الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت تلقی شود، توسعه فرآیندی است: نیاز محور، درون‌زا، خوداتکا و منطبق با بوم‌شناختی است، معطوف به تغییرات ساختاری و متضمن دموکراسی مشارکتی در همه سطوح جامعه توسط مردم است که همه این ویژگی‌ها با یکدیگر ارتباط ارگانیکی دارند، به‌گونه‌ای که «توسعه به عنوان یک کل و یک فرایند فرهنگی یکپارچه و به صورت توسعه یکایک زنان و مردان و نیز زن و مرد در کلیت خود نگریسته شود» (سرواس، ۱۳۸۴: ۱۷۸-۱۷۷)، (هم چنین برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: گالتونگ، ۱۹۸۰؛ لدرر، ۱۹۸۰؛ لمن ۱۹۷۹؛ ساچس، ۱۹۸۰)

**جنسیت و توسعه:** جنس<sup>۱</sup> در واقع جنبه زیست شناختی و روان شناختی دارد و جنسیت جنبه اجتماعی و فرهنگی؛ تفاوت گذاری میان جنس زیست شناختی و جنسیت اجتماعی در تأکید مشهور «سیمون دوبوار» (۱۹۴۹) مشهود است، که «آدمی زن زاده نمی شود: آدمی زن می شود». به این معنا که موقعیت فرودست زنان امری «طبیعی» یا زیستی نیست، بلکه زاییده جامعه است. ممکن است آدمی یک «مؤنث» از نژاد انسان، زاده شود، اما این تمدن و فرهنگ است که «زن» را می آفریند و تعریف می کند «زنانه» یا «زنانگی» چیست و از پیش تعیین می کند که زنان چگونه باید رفتار کنند و چگونه رفتار می کنند، لذا منجر به ساخت اجتماعی ای خواهد شد که «زن» دائماً در آن سرکوب می شود (فریدمن، ۱۳۸۶؛ خانی، ۱۳۸۵؛ محبوبی منش، ۱۳۸۰).

بنابراین «جنس واژه ای است که به وجه افتراق زیست شناختی میان زن و مرد اشاره می کند: فرق مشهود در اندام های جنسی، فرق مربوط به آن در عمل تولید مثل. اما جنسیت مسئله ای است فرهنگی و به طبقه اجتماعی مذکر و مؤنث مربوط می شود» (اکلی، ۱۹۷۲: ۱۶ به نقل از فریدمن، ۱۳۸۶).

به گفته فرانک (به نقل از کرباسی زاده، ۱۳۸۴: ۲۶) «هرگاه سرمایه داری، ره آورد آنان (زنان) را به شکل کار غیر دستمزدی و نیروی ذخیره برای استثمار به موقع در اختیار نداشت، انباشت سرمایه اگر نه غیر ممکن، که بسیار دشوار می نمود». بنابر گزارش جهانی ۲۰۰۴ (خانی، ۱۳۸۵) برنامه توسعه سازمان ملل، «تقریباً هیچ کشوری در شاخص های امید به زندگی، آموزش و درآمد، شرایط برابری برای زنان با مردان را فراهم نکرده است. اگرچه در کشورهای توسعه یافته<sup>۲</sup> در زمینه آموزش و

#### 1- Sex

۲- برای مثال زنان فنلاندی اولین زنان اروپایی بودند که در سال ۱۹۰۶ از حق برابری با مردان برخوردار شدند و در سال ۱۹۰۷ در اولین دوره پارلمان فنلاند از میان دویست نماینده، نوزده زن موفق به ورود به پارلمان شدند و در انتخابات سال ۲۰۰۷ این سهم به ۸۴ نماینده زن رسیده است. اولین وزیر زن فنلاندی در سال ۱۹۲۶ به عنوان وزیر امور اجتماعی و بهداشت منصوب شد. در دولت سال (۲۰۰۷) یازده تن از بیست نفر وزیر آئینه را زنان تشکیل می دهند و در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ چهار تن از هفت نفر کاندیدای ریاست جمهوری را زنان تشکیل می دادند که در نهایت منجر به پیروزی خانم تاریا هالونن اولین رئیس جمهور زن فنلاند شد. در سال ۱۹۲۰ فقط ده درصد از زنان فنلاندی شاغل

بهداشت فاصله دو جنس کاهش یافته، اما در اشتغال و دستمزدها این اختلاف همچنان باقی است. در آمریکا، انگلیس و کانادا زنان یک دوم مردان دستمزد دریافت می‌کنند و در دانمارک و فنلاند دو سوم درآمد مردان را به زنان می‌پردازند.<sup>۱</sup> اما همان گونه که در بخش یافته‌ها نشان خواهیم داد شاخص‌های ترکیبی توسعه حاکی از وضع نامطلوب زنان در کشورهای در حال توسعه و کم توسعه یافته است.

### روش اجرایی مطالعه

در این مطالعه مروری، از طریق روش اسنادی و کتابخانه‌ای با اتکا بر داده‌های ثانویه و گزارش‌های آماری ضمن استنتاج و استنباط نظریه‌های مربوط در کتب و منابع علمی به توصیف و تحلیل مقایسه‌ای وضع زنان ایران بر مبنای شاخص‌های ترکیبی توسعه انسانی، توسعه جنسیتی، توانمندی جنسیتی و شکاف جنسیتی در سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و پرداخته شده است. چهار شاخص ترکیبی مورد نظر عبارت‌اند از:

۱. شاخص توسعه‌ای انسانی (HDI)<sup>۱</sup>؛ که از معرف‌هایی همچون طول عمر (براساس امید به زندگی)، دانش (براساس میزان باسوادی بزرگسالان و به ویژه، میانگین سال‌های تحصیلی) و درآمد یا قدرت خرید (درآمد سرانه با توجه به هزینه‌های محلی زندگی) استفاده می‌شود.
۲. شاخص توسعه جنسیتی (GDI)<sup>۲</sup>؛ که با استفاده از معرف‌هایی همانند شاخص توسعه انسانی، مانند طول عمر، آموزش و درآمد برای نسبت سنجی جنسیتی و نشان دادن فاصله و نابرابری‌های موجود بین زنان و مردان در درون هر کشور، بهره‌گیری می‌شود.

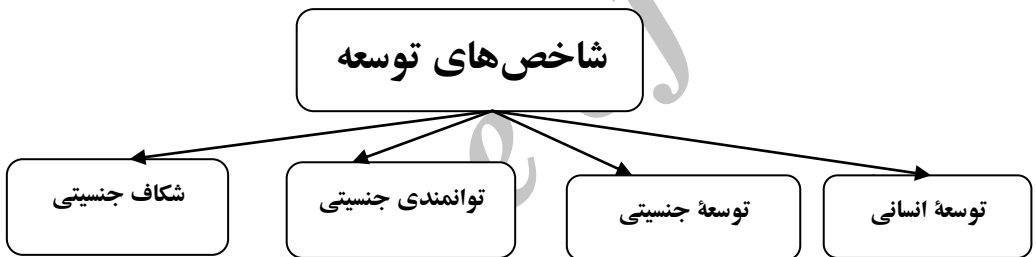
بودند. لکن در سال ۱۹۸۰ سهم زنان فنلاندی از بازار کار به هشتاد درصد رسید و بیست درصد از سمت‌های ارشد مدیریتی را زنان در اختیار دارند. در عرصه آموزش در سال ۱۹۰۱ زنان از حق تحصیل در دانشگاه برخوردار شدند. بیش از پنجاه درصد از دانشجویان دکترای دانشگاه‌های زمان حاضر فنلاند را زنان این کشور تشکیل می‌دهند که بیست درصد از استادان دانشگاه‌ها را نیز شامل می‌شوند (وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷: ۸۰).

1 - Human Development Index

2 - Gender Development Index

۳. شاخص توان‌مندسازی جنسیتی (GEM)<sup>۱</sup>: که معرف رشد زنان هرکشور از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای است و تأکید می‌کند که زنان قادر به شرکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی هستند و اینکه می‌توانند از فرصت‌های جامعه بهره‌مند شوند (برای جزئیات بیشتر بنگرید به: باستانی، ۱۳۸۳؛ خانی، ۱۳۸۵ و زاهدی، ۱۳۸۶).

۴. شاخص شکاف جنسیتی (GGI)<sup>۲</sup>: که معرف فاصله و شکاف میان زنان و مردان از چهار جنبه فرصت‌ها و مشارکت‌های اقتصادی، دستیابی به آموزش، بهداشت و سلامت و توان‌مندی سیاسی بر اساس مشارکت و حضور در ساختار قدرت سیاسی و تصمیم‌ساز است.



نمودار ۱: مدل مفهومی

### یافته‌های مطالعه

#### جایگاه ایران در جهان براساس شاخص‌های ترکیبی توسعه

طبق گزارش سال ۲۰۱۰ سازمان ملل درباره شاخص توسعه انسانی<sup>۳</sup> ایران در بین ۱۶۹ کشور رتبه ۷۰ را کسب نموده و از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۰ روندی صعودی را پیموده و در سال ۲۰۱۰ جلوتر از کشورهای برزیل (۷۳) ترکیه (۸۳) چین (۸۹) و

1 - Gender Empowerment Measure

۲- گفنتی است نمایان‌ترین معرف در زمینه برابری یا نابرابری جنسیتی رتبه بندی و میزان شاخص توان‌مندسازی جنسیتی است.

3- Gender Gap Index

4 - Human Development Report 2010, UNDP

هندوستان (۱۱۹)، اما بعد از کشورهای آذربایجان (۶۷) روسیه (۶۵) عربستان سعودی (۵۵) امارت عربی متحده (۳۲) و فلسطین اشغالی (۱۵) قرار گرفته است (بازیابی شده در ۱ بهمن ۱۳۸۹ از سایت (پایگاه) مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۰ <http://www.weforum.org>). اما رتبه کشور در زمینه شاخص توانمندسازی جنسیتی محاسبه نشده است؛ آمارها حاکی است که ارزش شاخص توسعه جنسیتی برای همه کشورهای افزایش یافته اما در هیچ کشوری با زنان همانند مردان برخورد نشده است؛ حتی در کشورهایی که از رتبه ارشد برخوردارند، شاخص توسعه جنسیتی کم‌تر از شاخص توسعه انسانی است و شاخص توانمندسازی زنان کم‌تر از هر دو شاخص قبلی بوده است. این مسئله بیانگر آن است که کماکان کارهای بسیاری باید در زمینه توانمندسازی زنان انجام شود (باستانی، ۱۳۸۳) گزارش مجمع جهانی اقتصاد جهانی درباره شاخص شکاف جنسیتی در سال ۲۰۱۰<sup>۱</sup> نیز نشان داده که ایران در بین ۱۳۴ کشور در رتبه ۱۲۳ جای گرفته و با دو رتبه ارتقا، جلوتر از آخرین ده کشور جهان است. در سال ۲۰۰۸، ایران با کسب رتبه ۱۱۶ در میان ۱۳۰ کشور، فقط ۴ رتبه با آخرین ده کشور جهان فاصله داشت، اما در سال ۲۰۱۰ از کشورهای ترکیه (۱۲۶) عربستان سعودی (۱۲۹) پاکستان (۱۳۲) و یمن (۱۳۴) جلوتر و از کشورهای امریکا (۱۹)، فلسطین اشغالی (۵۲) ونزوئلا، (۶۴) برزیل (۸۵) تاجیکستان، (۸۹) ژاپن، (۹۴) آذربایجان، (۱۰۰) امارات عربی متحده (۱۰۳) کویت، (۱۰۵) هندوستان، (۱۱۲) لبنان، (۱۱۶) پایین‌تر قرار گرفته است؛ فلیپین یگانه کشور آسیایی است که در ردیف ده کشور اول جهان و در رتبه نهم قرار دارد. برای مطالعه جزئیات بیشتر درباره شاخص شکاف جنسیتی در ایران می‌توانید جدول شماره یک را مشاهده کنید (بازیابی شده در ۱ بهمن ۱۳۸۹ از سایت (پایگاه) <http://www.weforum.org>).

1 - Global Gender Gap Index 2010

جدول شماره ۱: شاخص‌های شکاف جنسیتی در ایران در سال ۲۰۱۰

نسبت زن به مرد	مرد	زن	نمونه متوسط	امتیاز	رتبه	شاخص‌های مورد بررسی شکاف جنسی در ایران
			۰/۵۹۰	۰/۴۲۶	۱۲۵	۱- در حوزه‌های اقتصادی
۰/۴۴	%۷۶	%۳۳	۰/۶۹	۰/۴۴	۱۲۱	مشارکت نیروی کار
۰/۵۹	*	*	۰/۶۵	۰/۵۹	۹۷	پرداخت برابر مزد برای کار مشابه
۰/۳۲	\$۱۶/۴۴۹	\$۵/۳۰۴	۰/۵۳	۰/۳۲	۱۲۱	درآمد بیشتر
۰/۱۵	%۸۷	%۱۳	۰/۲۷	۰/۱۵	۱۰۲	حضور زنان در مقامات مدیریتی و قانون‌گذاری
۰/۵۰	%۶۷	%۳۳	۰/۶۴	۰/۵۰	۹۸	کارگران فنی و حرفه‌ای
			۰/۹۲۹	۰/۹۵۹	۹۶	۲- در حوزه آموزشی
۰/۸۹	%۸۷	%۷۷	۰/۸۶	۰/۸۹	۱۰۲	میزان باسوادی
۰/۹۶	%۱۰۰	%۹۶	۰/۹۸	۰/۹۶	۱۱۵	ثبت نام در آموزش ابتدایی (مرحله اول)
۱	%۷۵	%۷۵	۰/۹۲	۱	۸۱	ثبت نام در آموزش دوره راهنمایی (مرحله دوم)
۱/۱۴	%۳۴	%۳۹	۰/۸۶	۱	۱	ثبت نام در آموزش متوسطه (مرحله سوم)
			۰/۹۵۵	۰/۹۷۱	۸۳	۳- بهداشت و سلامت و امید به زندگی
۰/۹۵	-	-	۰/۹۲	۰/۹۴	۱	نسبت جنسی در بدو تولد (زن/ مرد)
۱/۰۳	۶۰	۶۲	۱/۰۴	۱/۰۳	۹۱	امید به زندگی (استانداردهای جهانی)
			۰/۱۷۹	۰/۰۱۷	۱۲۹	۴- توان‌مندی و حضور و مشارکت در حوزه سیاسی
۰/۰۳	%۹۷	%۳	۰/۲۲	۰/۰۳	۱۲۵	زنان در مجلس
۰/۰۳	%۹۷	%۳	۰/۱۸	۰/۰۳	۱۲۶	زنان در حوزه‌های وزارتی
۰	۵۰	۰	۰/۱۵	۰	۴۴	سال‌های ریاست زنان در دولت (در پنجاه سال گذشته)

(منبع: گزارش مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۰)

**وضع زنان در عرصه آموزشی:** بر اساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳ سازمان ملل (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۳۲) میزان باسوادی زنان ایرانی (بیش از ۱۵ سال) با ۷۰/۲ درصد وضع بهتری را در قیاس با میانگین کشورهای در حال توسعه در جهان، با ۶۷/۱ درصد نشان می‌دهد.

هم‌چنین برحسب گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳ سازمان ملل در زمینه تحصیلات متوسطه، میزان تحصیلات دختران در قیاس با پسران با ۸۹٪، کشور ما را در رده سایر کشورهای منطقه همچون سوریه (۸۷٪)، مصر (۹۰٪) و عربستان (۸۶٪)، و در موقعیتی بهتر از ترکیه (۶۹٪)، هند (۶۶٪) و پاکستان (۶۳٪)، قرار می‌دهد، البته کشورهایی مانند آذربایجان (۹۶٪)، بنگلادش (۹۹٪) و قزاقستان (۹۵٪)، به طور محسوس اوضاعی بهتر از کشور ما در این شاخص دارند. براساس همین گزارش در زمینه آموزش، چنانچه مینا را شاخص میزان ورود زنان به آموزش عالی<sup>۱</sup> در مقایسه با همین میزان در مردان، در نظر بگیریم، وضع زنان کشور ما با میزان ۹۳٪ وضع بهتری در قیاس با کشورهای هند (۶۶٪) و بنگلادش (۵۵٪) نشان می‌دهد. به طوری که کشور ما را در رده کشورهای توسعه یافته‌ای چون آلمان (۹۶٪) و ژاپن (۸۵٪) قرار می‌دهد. با این وصف بیشترین میزان در این حوزه متعلق به کشورهایی چون نروژ و سوئد (۱/۵۲ درصد) و ایالات متحده (۱/۳۲ درصد)، است (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۳۲).

بنابراین هر چند در مجموع، آموزش زنان به طور نسبی در ایران ارتقا یافته، اما پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که فرایند تأثیر آن در رده‌های عالی مدیریتی و در فرایندهای کاری (حتی در خود آموزش) به شدت شتاب خود را از کف می‌دهد (فکوهی، ۱۳۸۴؛ زاهدی، ۱۳۸۶ و رضایی، ۱۳۷۶). البته شاخص شکاف جنسیتی در حوزه آموزش در سال ۲۰۱۰ برای ایران، برابر رتبه ۹۶ است که در مقایسه با

۱- شایان ذکر است که در آزمون سراسری سال ۸۷، درصد قبولی زنان ۶۴ درصد در مقابل ۳۶ درصد قبولی مردان است. در این میان بیشترین درصد قبولی زن در گروه هنر با ۷۹/۶ درصد و بیشترین درصد قبولی مرد در گروه علوم ریاضی با ۵۳/۷ درصد است (بیک سنجش، ۱۳۸۷: ۶).

معرف‌های دیگر همین شاخص وضع زنان ایران نسبتاً مطلوب است و هر چه به سطح آموزش در سطوح فراتر می‌رویم فاصله میان زنان و مردان کم‌تر می‌شود، اما آنچه نگران‌کننده است افزایش بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان، خصوصاً زنان تحصیل کرده در آموزش عالی است، به طوری که طبق گزارش جهانی سازمان ملل در سال ۲۰۱۰، ایران در طول سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ از جمله بیشترین رشد بیکاری را بر حسب ارتقای سطح آموزشی داشته است (بازیابی شده در ۱ بهمن ۱۳۸۹ از <http://www.weforum.org>).

**وضع زنان در عرصه اقتصاد:** طبق گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، در سال ۲۰۰۱ (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۳۵-۱۳۴) رشد فعالیت اقتصادی زنان (۱۵ سال و بیشتر) در قیاس با مردان، در کشورهای در حال توسعه، ۶۷ درصد و در کشورهای با شاخص توسعه انسانی پیشرفته ۷۳ درصد است. این میزان در ایران به طور میانگین برابر ۶۹ درصد است. فکوهی (۱۳۸۴) به نقل از علاءالدین و رضوی (۲۰۰۵) می‌نویسد: میزان اشتغال زنان از کل نیروی کار در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، (=۱۹۷۶) به رقم ۱۴/۸ رسیده است؛ سپس در سال‌های دهه ۱۹۸۰ کاهش یافته و در دهه ۱۹۹۰ به تدریج سیر صعودی خود را آغاز کرده است. در سال ۱۹۸۶ این رقم در حد ۱۰/۳ درصد قرار داشته و در سال ۲۰۰۲ به حدود دوازده درصد رسیده است. با این وصف باید توجه داشت که این اشتغال ضعیف عمدتاً در رده‌های نازل شغلی متمرکز بوده است. بر حسب یک تحلیل جنسیتی بر بازار کار ایران (فکوهی، ۱۳۸۴) به نقل از نوروزی و هاشمی، (۱۳۸۰) میزان مشارکت زنان (۱۵ سال و بیشتر) در نیروی کار، در سال ۱۹۹۶، ۱۰/۶ درصد در مقابل ۷۴/۴ درصد در مردان بوده است. وضعی که حتی نامناسب‌تر از پاکستان (۱۲/۷ درصد در برابر ۸۲/۲ درصد) را نشان می‌دهد. همچنین در عین اینکه طی دوره ۸۰-۱۳۷۵ میزان مشارکت زنان با تحصیلات کم‌تر از متوسطه - که اغلب زنان شاغل کارکنان فامیلی بدون مزدند، که اغلب بی‌سواد و کم‌سوادند- از ۶/۷ درصد به ۹/۲ درصد افزایش یافته، میزان بیکاری مجموعه زنان دارای تحصیلات متوسطه و عالی، ظرف این مدت، از ۱۲/۸ درصد به ۳۳/۴ درصد افزایش



یافته است (شادی طلب، ۱۳۷۹؛ صابر، ۱۳۸۱ و فکوهی، ۱۳۸۴). به طور کلی از جنبه جنسیتی باید اشاره شده که «تقریباً همه فضای اشتغال در ایران متعلق به مردان است و بخش اندکی از جمعیت زنان کشور، (۱۱/۸ درصد در سال ۱۳۸۱) مشغول و مزد بگیر در بیرون از خانه هستند» (موسوی، ۱۳۸۴: ۳۸).

البته بسیاری از زنان در ایران در بخش‌های غیر رسمی اقتصاد مشغول به کارند، یا به علت موانع و تعصب‌های فرهنگی و اجتماعی از واگویی وضع اشتغال خود بیم دارند. اشتغال زنان در بخش‌های غیر رسمی اقتصاد در واقع نشان دهنده نارسایی ساختاری در اقتصاد کشور است.

امروزه محدود بودن مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان از جمله عوامل اصلی تمایز میان جوامع در حال توسعه با جوامع توسعه یافته محسوب می‌شود. بنابر نظر جامعه شناسان این حضور کم‌رنگ زنان در عرصه‌های اجتماعی عموماً به عواملی از جمله سن، وضع تأهل، شمار و سن فرزندان و سطح تحصیلات زنان بستگی دارد. با این وصف «به نظر می‌رسد که در جامعه ما این مسئله بیش از هر چیز تحت تأثیر سازوکار عوامل و سازه‌های ذهنی - اجتماعی قرار دارد» (موسوی، ۱۳۸۴: ۳۸).

**وضع زنان در عرصه سیاسی و مدیریتی:** به گفته زاهدی (۱۳۸۶: ۷۵-۷۰) کشور ما بر حسب مقیاس «مشارکت زنان در مدیریت» (GEM)<sup>۱</sup> در وضع بسیار نامساعدی قرار دارد. براساس مقیاس یاد شده، طبق گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۸ دفتر توسعه ملل متحد، کشور سوئد با امتیاز ۰/۷۹، مطلوب‌ترین کشور و نیجریه با ۰/۱۲۱، نامناسب‌ترین ارزشیابی شده‌اند. کشور ایران در میان ۱۰۲ کشور رتبه ۹۷ و امتیاز ۰/۲۶۱ را احراز کرده است؛ اما بر اساس گزارش توسعه نیروی انسانی ۲۰۰۴ سازمان ملل (جعفرنژاد، ۱۳۸۴: ۹۰-۸۹) وضع زنان ایران از لحاظ شاخص GEM مطلوب‌تر شده است؛ با وصف این با توجه به فرایند رو به رشد وضع

1-Gender Empowerment Measure (GEM)

زنان در کشورهای توسعه یافته، فاصله ایران با این کشورها چشم‌گیر است، به طوری که در جدول شماره ۲ دیده می‌شود، ایران در مرتبه ۷۲ و امتیاز ۰/۳۱۳ درصد، ارزشیابی شده است، که از کشورهای کانادا (رتبه ۱۰، با امتیاز ۰/۷۸۷)، استرالیا (رتبه ۸، با امتیاز ۰/۸۰۶)، سوئد (رتبه ۲، با امتیاز ۰/۸۵۴) و نروژ (رتبه یک، با امتیاز ۰/۹۰۸)، نازل تر است، اما در میان کشورهای همسایه، وضع زنان ایران از لحاظ شاخص GEM از کشور ترکیه (رتبه ۷۳، با امتیاز ۰/۲۹)، مطلوب‌تر، ولی از کشور پاکستان (رتبه ۶۴، امتیاز ۰/۴۱۶)، محدودتر است.

### جدول شماره ۳: حضور زنان در سمت‌های سیاسی و مدیریتی

کشور	شاخص GEM		درصد زنان		
	رتبه	ارزش	کرسی‌های پارلمانی	سمت‌های مدیریتی	مشاغل حرفه‌ای
نروژ	۱	۰/۹۰۸	۳۶/۴	۲۸	۴۹
سوئد	۲	۰/۸۵۴	۴۵/۳	۳۱	۵
استرالیا	۸	۰/۸۰۶	۲۶/۵	۳۵	۵۵
کانادا	۱۰	۰/۷۸۷	۲۳/۶	۳۴	۵۴
ایران	۷۲	۰/۳۱۳	۴/۱	۱۳	۳۳
پاکستان	۶۴	۰/۴۱۶	۲۰/۸	۶	۲۶
ترکیه	۷۳	۰/۲۹۰	۴/۴	۷	۳۱
پاراگوئه	۶۳	۰/۴۱۷	۸/۸	۲۳	۵۴

منبع: گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۴، به نقل از جعفر نژاد (۱۳۸۴)

در ایران در دوره اول مجلس شورای اسلامی، چهارتن، دوره دوم چهارتن، دوره سوم چهارتن، دوره چهارم نه تن، دوره پنجم چهارده تن و دوره ششم سیزده تن، در دوره هفتم نیز دوازده تن و در دوره هشتم هشت تن به عنوان نماینده زن وارد مجلس شده‌اند. همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، زنان ایران فقط ۴۰۱ درصد از نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دهند؛ به طور کلی آمارها نشان دهنده این است که ما نه فقط بهبودی در وضع زنان در عرصه سیاسی نداشته‌ایم، بلکه با کاهش درصد زنان در مجلس شورای اسلامی نیز روبه‌رو بوده‌ایم. کشورهای کویت و

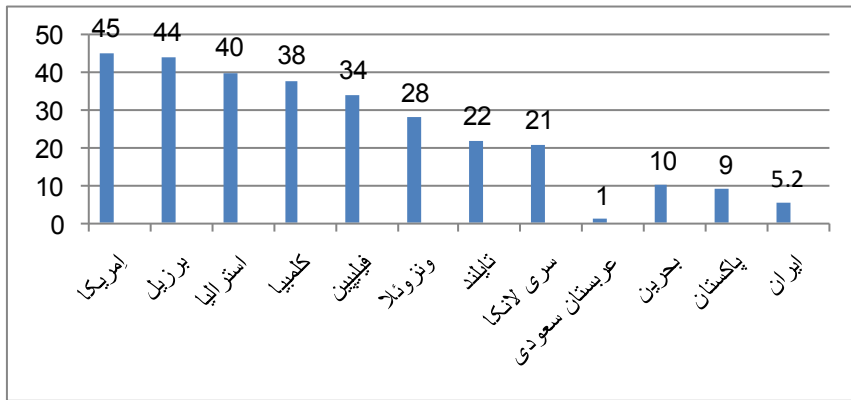
امارات عربی متحده در مدار صفرند، اما کشور پاکستان در بین کشورهای همسایه ایران از وضع مطلوب‌تری برخوردار است و بیش از بیست درصد از نمایندگان آن را زنان تشکیل می‌دهند (باستانی، ۱۳۸۳: ۱۸۶). البته در زمینه تقاضای مشارکت سیاسی زنان ایران، رشد عده کاندیداهای زن برای نمایندگی مجلس خوشحال کننده است و آمار عده کاندیداهای زن در مجلس شورای اسلامی در دوره‌های اول تا هفتم رشدی چشم‌گیر داشته است. در دوره اول به علت شرایط خاص اوایل انقلاب و انفجار مشارکت سیاسی، ۹۰ داوطلب زن داشته‌ایم و در دوره دوم با افتی چشم‌گیر مواجه بوده‌ایم و شمار ۳۲ تن داوطلب نمایندگی شده‌اند. از دوره دوم به بعد رشدی متناسب را شاهدیم. دوره سوم ۴۷ تن، دوره چهارم ۸۶ تن، دوره پنجم ۳۵۱ تن، در دوره ششم ۵۰۴ تن و در دوره هفتم ۸۲۷ تن از زنان جامعه نامزد انتخابات شدند سایت (=پایگاه) مجمع تشخیص مصلحت نظام: <http://www.maslehat.ir>. شاخص شکاف جنسیتی در سال ۲۰۱۰ از لحاظ مشارکت سیاسی تصمیم‌ساز، نشان می‌دهد که ایران رتبه ۱۲۹ را در جهان کسب کرده است (بازیابی شده در ۱ بهمن ۱۳۸۹، از <http://www.weforum.org>). که بیانگر فاصله چشم‌گیر زنان از مردان، در زمینه مشارکت در قدرت سیاسی و در مقایسه با سایر کشورهاست.

اما در عرصه‌های مدیریتی و اجرایی سهم زنان ایرانی در مدیریت کشور در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ حدود ۲/۸ درصد از کل مدیران کشور در بخش عمومی، ثابت مانده و در سه سال اخیر با دید خوش‌بینانه به حدود پنج درصد رسیده است، که این رقم در مقایسه با ظرفیت فعلی بسیار اندک است (زاهدی، ۱۳۸۶: ۷۷). از میان کشورهای که اطلاعات در اختیار سازمان ملل قرار داده‌اند، فقط در فیلیپین (۵۸٪) و کاستاریکا (۵۳٪) زنان اکثریت مجریان کشور خود را شامل می‌شوند و کشورهای لیتوانی (۴۷٪)، آمریکا (۴۶٪)، باربادوس و ترینیداد (۴۰٪)، کلمبیا (۳۸٪)، روسیه، اروگوئه و اوکراین (۳۷٪) رتبه‌های بعدی را دارا بوده‌اند. کشورهای ژاپن و پاکستان (۹٪)، امارات عربی متحده، ترکیه و بنگلادش (۸٪)، کره جنوبی (۵٪) و

یمن و سریلانکا (۰/۴) کم‌ترین درصدها را داشته و در این میان، ایران نیز با توجه به آمارهای داخلی، زنان فقط ۵/۳ درصد از کل سمت‌های مدیریتی و اجرایی را احراز کرده‌اند (باستانی، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

در حالی که آمار پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزش عالی حاکی از آن است که در سال‌های تحصیلی اخیر بیش از شصت درصد پذیرفته‌شدگان زنان و دختران بوده‌اند (پیک سنجش، ۱۳۸۷)، از این رو انتظار می‌رود که این درصد چشم‌گیر پذیرفته‌شدگان در آموزش عالی، پس از فراغ از تحصیل وارد بازار کار شوند؛ اما وضع اشتغال فعلی زنان دورنمای خوش‌آیندی را نوید نمی‌دهد. طبق گفته شادی طلب (۱۳۷۹) براساس تحقیقات اگر فرایند کنونی ادامه یابد، زنان دست کم باید ۴۹۰ سال صبر کنند تا در مواضع تصمیم‌گیری با مردان برابر شوند.

آمار منتشر شده سازمان جهانی کار (۲۰۰۳) وضع مشارکت زنان در سمت‌های مدیریتی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ را انتشار داده است، این آمار در نمودار شماره ۲ دیده می‌شود؛ وضع به کارگیری زنان ایران در عرصه‌های مدیریتی مطلوب نیست، به طوری که ایران با درصد ۵/۲، از کشورهای پاکستان (۹ درصد)، بحرین (۱۰ درصد)، سری لانکا (۲۱ درصد)، تایلند (۲۲ درصد)، ونزوئلا (۲۸ درصد) و فیلیپین (۳۴ درصد) در رتبه‌ای نازل‌تر قرار گرفته است (میرغفوری، ۱۳۸۵: ۱۰۵-۱۰۴).



نمودار شماره ۲: درصد مشارکت زنان در سمت‌های مدیریتی در کشورهای منتخب (سازمان جهانی کار، ۲۰۰۳)

با توجه به اینکه در کشور ما فقط حدود ۵/۲ درصد از مدیران، زن هستند، شواهد آماري نشان می‌دهد که هرچه به طرف سطوح بالاتر مدیریتی می‌رویم، میزان مشارکت زنان کاهش می‌یابد و به ۱/۴ درصد در سطوح مدیرکل و معاون دستگاه می‌رسد که همان پدیده سقف شیشه‌ای در سازمان‌های ایرانی را تداعی می‌کند (میرغفوری، ۱۳۸۵: ۱۰۵). شاخص شکاف جنسیتی از لحاظ معرف مشارکت در سمت‌های مدیریتی در سال ۲۰۱۰ نیز نشان داده که ایران رتبه ۱۲۶ را کسب نموده است و در قیاس با زنان برابر ۳ به ۹۷ درصد است (بازیابی شده در ۱ بهمن ۱۳۸۹ از <http://www.weforum.org>).

**وضع کلی ایران و زنان در عرصه ارتباطات توسعه:** طبق گزارش مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۰)، بخش مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات میزان دستیابی به خطوط تلفن همراه و ثابت در ایران بین سال‌های (۲۰۰۰-۲۰۰۸) ۵۳۲ درصد رشد کرده و جمعیت تحت نظارت تلفن همراه در ایران به ۹۵ درصد رسیده است. دستیابی به اینترنت در سال ۲۰۰۸ به میزان ۳۲ درصد از کل جمعیت کشور گزارش شده و پهنای باند در این سال ۰/۴ درصد اعلام شده است (بازیابی شده در

تاریخ ۱ بهمن ۱۳۸۹ از (<http://www.weforum.org>). براساس آخرین آمارهای شرکت ارتباطات و فناوری اطلاعات، در سال ۱۳۸۹ در کشور، ۲۷ میلیون کاربر اینترنتی فعال است که هر کاربر در شبانه روز حداقل یک بار به سیستم اینترنتی مراجعه می‌کند. آمار فوق حاکی است که هم اکنون بیش از یک میلیارد و ۹۷۰ میلیون کاربر فعال در سراسر جهان فعال اند که آمار سال ۲۰۱۰ در برابر سال قبل از آن چهارده درصد رشد داشته است (بازیابی شده در تاریخ ۳ بهمن ۱۳۸۹، از سایت (پایگاه) خبرگزاری ایران نیوز <http://irannews24.ir>).

«دسترسی نداشتن به فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی (ICT) عاملی مهم برای گوشه‌نشینی زنان از فرایند کلی اقتصادی و سیاسی اجتماعی کشورهای خود و جهان است. زنان بدون مشارکت همه سویه در به کارگیری فناوری اطلاعات، کلید مشارکت در جامعه جهانی سده بیست و یکم را از دست می‌دهند» (هاف کین و تاگارت، ۲۰۰۱: ۸ به نقل از افشاری و رضانی، ۱۳۸۵: ۲۴). در خصوص منابع و مطالعات در ایران، هر چند تحقیق جامعی که در آن وضع زنان را در مقایسه با مردان در دسترس به رایانه و بهره‌گیری از اینترنت، یا نوع استفاده از اینترنت، و همچنین پیامد فناوری اطلاعاتی و ارتباطی را بر وضع آموزشی و شغلی افراد به تفکیک جنس مشخص می‌کند؛ دیده نشد، با این وصف برخی پژوهش‌های موردی در سطح محدود انجام شده است که هر چند درخور تعمیم به کل کشور نیست، چه بسا روزه‌ای از وضع زنان در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطی به دست دهد که برای تحلیل جنسیتی در دامنه‌ای محدود مفید واقع شود.

در ایران، افشاری و شیبانی (۱۳۸۳) اثر فناوری اطلاعات را بر جایگاه زنان و نابرابری جنسیتی، با استفاده از داده‌های قطعی بین کشوری بررسی کرده و دریافته‌اند که نمایه‌های فناوری - به ویژه اطلاعات - اثری مهم بر نمایه‌های ارتقای جایگاه زنان داشته و با این همه اثر آن بر کاهش نابرابری جنسیتی ناچیز بوده است

(افشاری و رضانی، ۱۳۸۵: ۲۷). همچنین پژوهش‌های انجام شده باستانی و میزبان (۱۳۸۶) نشان دهنده نشانه‌های شکاف دیجیتالی جنسیتی در کشور است.

به طور کلی می‌توان گفت که در دهه پایانی قرن بیستم میلادی انقلاب انفورماتیک منجر به پدیده‌ای چند بعدی به نام شکاف دیجیتالی<sup>۱</sup> شد که سبب نابرابری در سطح جهانی ملی و فردی، خصوصاً از بعد جنسیتی می‌شود، زیرا در بیش‌تر جوامع زنان در قیاس با مردان، از نظر آموزش، منابع مادی، مکان، فرهنگ و مهارت در سطح نازل‌تری قرار دارند امکانات کم‌تری دارند، لذا زنان کم‌تر از مردان از فناوری نوین استفاده می‌کنند؛ به طوری که بر پایه پژوهش‌های انجام شده در سال ۱۹۹۹ فقط هفده درصد دانش‌آموختگان فناوری را زنان تشکیل می‌داده‌اند؛ به همین لحاظ است که با ورود فناوری اطلاعات، میزان فعالیت اقتصادی زنان کاهش یافته است؛ زیرا احتمالاً زنان به علت ویژگی‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه نمی‌توانند به تخصص‌های لازم برای اشتغال در بخش‌های فناوری اطلاعات دست یابند (افشاری و رضانی ۱۳۸۵: ۳۳). شکاف دیجیتالی جنسیت<sup>۲</sup> تقریباً در همه نقاط جهان دیده می‌شود که برای مثال در سه کشور اندونزی، بنگلادش و بوتان، فاصله جنسیتی بسیاری در زمینه ICT دیده می‌شود. حتی در کشور آمریکا که در سال ۲۰۰۲ به میزان ۵۱ درصد از کاربران اینترنت را زنان تشکیل دادند، فقط بیست درصد از کل حرفه‌ای‌های فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی زن بودند و کم‌تر از ۲۸ درصد از دارندگان لیسانس رایانه و فقط ده درصد از دانشیاران و شش درصد از استادان علوم رایانه را زنان تشکیل دادند (زاهدی، ۱۳۸۶: ۲۰۶). همچنین نگاه کنید به: کاستلز ۱۳۸۵ و هافکین و تاگارت (۱۳۸۳) پژوهش‌گران و نظریه‌پردازان علت چنین اختلافی را در جامعه‌پذیری جنسیتی جست‌وجو می‌کنند که ویژگی‌های اساسی جنسیت را ابتدا در خانواده سپس در مدرسه و گروه هم‌سالان و آنگاه به وسیله رسانه‌های جمعی

1 - Digital Divide

2 - Gender Digital Divide

نهادینه‌سازی و تقویت می‌کند. امروزه زنان در کشورهای گوناگون جهان آن چنان که باید از مزایا و فرصت‌های فناوری جدید استفاده نمی‌کنند. در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، میزان محرومیت از آموزش و تعلیم فناوری بیشتر است و در واقع علت محدودیت سواد و آموزش دیجیتالی، نبود منابع اقتصادی، هنجارهای فرهنگی - اجتماعی و نگرش سنتی، بیشتر زنان و دختران را از پی‌گیری شغل‌های غیر سنتی و دسترس به فناوری ارتباطات و اطلاعات، باز می‌دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به سند چشم‌انداز ایران که قرار است تا سال ۱۴۰۴ کشورمان در رتبه برتر منطقه در همه عرصه‌ها قرار بگیرد، جایگاه ایران در بین کشورهای منطقه از لحاظ شاخص‌های توسعه انسانی، جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی و شکاف جنسیتی، به طور کلی وضع مطلوبی ندارد. البته شواهد آماری در سال ۲۰۱۰ نشان دهنده رشد توسعه انسانی در ایران (رتبه ۷۰) در قیاس با سال‌های قبل است، اما همچنان از برخی کشورهای منطقه کم‌تر است، همچنین گزارش جهانی شاخص شکاف جنسیتی در سال ۲۰۱۰ نیز نشان داده که ایران در بین ۱۳۴ کشور رتبه ۱۲۳ است؛ یعنی جزو یازده کشور آخر جهان از لحاظ شکاف جنسیتی است، که خارج شدن از وضع نامطلوب یاد شده مستلزم جهشی بلند و همتی مضاعف برای توسعه پایدار در همه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است؛ خصوصاً برای مشارکت بیشتر زنان در فرایند توسعه نیازمند شکستن سقف شیشه‌ای در سازمان‌ها و تغییر نگرش و زاویه دید کارگزاران و مدیران و احساس نیاز آنان در سطوح عالی سازمانی در برابر زنان هستیم، زیرا این وضع برای کشوری که می‌خواهد سرآمد منطقه در چهره سال آینده باشد و «عدالت جنسیتی» را در مقابل شعار «برابری جنسیتی» غرب، سرلوحه خود قرار دهد، برانزده نیست. لذا شایسته است در قالب پارادایم کثرت‌گرا، که می‌تواند یکی از منابع الهام بخش الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تلقی شود، به سمت توسعه حرکت نمود.



مفهوم سنتی توسعه که قبلاً به رویدادهای جهان سوم مربوط می‌شد، اکنون متحول شده و موضوعی جهانی است، زیرا از این پس صرفاً موضوع انتقال فناوری، سرمایه‌گذاری خارجی یا حتی اقتصاد بازار آزاد مطرح نیست؛ امروزه به ندرت مسئله مهم سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی در جهان در حال توسعه دیده می‌شود، که به نوعی در مناطق توسعه یافته کاپیتالیست و سوسیالیست مطرح نباشد. انحطاط اجتماعی، گرسنگی، خشونت، فقر، بی‌خانمانی و ناامیدی انسان در پیچیده‌ترین و از نظر تکنولوژیک، در پیشرفته‌ترین نواحی دنیای صنعتی مدرن رخنه کرده است. مسئله جنسیت و توسعه یا نابرابری جنسیتی در فرآیند توسعه و ارتباطات توسعه نیز در کلیه جوامع، اعم از شمال و توسعه یافته یا جنوب، موسوم به کشورهای «در حال توسعه»، «کم توسعه» یا «توسعه نیافته» مشاهده می‌شود (مولانا، ۱۳۸۴: ۱۲۸). اما این پدیده به شکل طیفی است که هرچه به سمت کشورهای جنوب یا به اصطلاح در حال توسعه، کم توسعه و توسعه نیافته پیش می‌رویم، نابرابری جنسیتی در عرصه‌های آموزشی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی از لحاظ شکل، وسیع‌تر و از لحاظ محتوا، عمیق‌تر می‌شود؛ بر اساس شواهد آماری که مطرح شد، می‌توان گفت که این مسئله، در کشور ایران، ریشه در موانع ساختاری ذهنی و عینی دارد که واقعیتی انکار ناپذیر است و نمی‌شود تا محققى بر آن انگشت گذاشت با برچسب فمینیست بودن یا سیاه‌نمایی وی را طرد کرده و به جای حل مسئله، صورت مسئله را پاک کرد، بلکه باید در وهله اول آن را با آگاهی انتقادی به خوبی شناخت و در مرحله دوم به طور دلسوزانه، همدلانه، مدبرانه و پی‌گیرانه آن را مدیریت کرد. بی‌اعتنایی و پرده‌پوشی بر این مسئله مهم، نه فقط کشور ما را از حدود نیمی از جمعیت کل کشور به عنوان منبع عظیم و گران‌بهای توسعه محروم می‌سازد، بلکه احتمال دارد به سبب گسترش ارتباطات فراملی، انتظارات فزاینده زنان برای مشارکت و ماهیت سیاسی جامعه و عوامل دیگر، مسئله یاد شده از بُعد اجتماعی به بُعد سیاسی - امنیتی تغییر ماهیت دهد که در آن صورت دیگر نه انرژی کنونی مطرح

است و نه فرصت کافی و مناسب برای مهار و حل آن؛ در زمان حاضر با توجه به فرایند افزایشی پذیرش یافتگان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و شمار زنان داوطلب برای نمایندگی مجلس، شاهد افزایش فزاینده تقاضای مشارکت اجتماعی زنان در ایران و در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستیم که چه بسا برای نیل به توسعه پایدار، هم فرصت باشد و هم تهدید؛ فرصت است، زیرا کشور ما را در تحقق اهداف توسعه از جنبه آهنگ، سرعتی جهشی؛ از جنبه کیفیت، محتوایی غنی و از جنبه الگو حداقل در بین کشورهای آسیایی جنوب غربی در جایگاه و مرتبه چشم‌گیری قرار می‌دهد و تهدید است، زیرا در صورت ندادن پاسخ مناسب به مطالبات و انتظارات زنان نه فقط موجب سرخوردگی و بیگانگی اجتماعی زنان و پسران‌های اجتماعی و از بین رفتن دستاوردهای زنان در سه دهه اخیر می‌شود، بلکه ممکن است سرنوشت سیاسی و آینده جامعه نیز، که به گفته فکوهی (۱۳۸۴: ۱۳۷) «به دلایلی بی شمار با موقعیت زنان پیوند خورده است» به چالش کشیده می‌شود.

### پیشنهادها:

برخی از پیشنهادی راهبردی به این شرح‌اند: ۱- وارد کردن آگاهی و حساسیت جنسیتی در تحصیلات، آموزش منظم و برنامه‌های دولت ۲- دست زدن به تلاش بی‌وقفه به منظور ریشه کن کردن هر نوع تبعیض در محیط خانه و محل کار، ۳ - بهبود دست‌یابی برابر به منابع، فرصت‌ها و منافع، ۴- به رسمیت شناختن نقش‌های چندگانه زنان در تدوین قانون، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت: شکاف جنسیتی به منظور پیشبرد برنامه‌های پاسخ به جنسیت، که هر سازمانی (از جمله سازمان پلیس) باید با آگاهی کافی مقدمات اجرایی که منجر به پی‌گیری منافع زنان می‌گردد، تنظیم کند. ۵- طراحی آزمون، فنون و ابزارهایی که تولید و درآمد زنان را افزایش دهد و از سختی کار آنان بکاهد (الوانی و ضرغامی فرد، ۱۳۸۰ به نقل از مارمل و سیمون، ۱۹۹۰).

همچنین پیشنهاد می‌شود در خصوص توانمندسازی، قدرت بخشی و افزایش مهارت‌های ارتباطی زنان برای مشارکت مطلوب آنان، دوشادوش مردان، در همه عرصه‌های اجتماعی، خصوصاً اشتغال و مصادر مدیریتی در سطوح میانی و عالی اقدام و به زنان، مجال و فرصت آزمون و خطا داده شود البته از طریق:

۱- تقویت باور به خود زنان به لحاظ جامعه‌پذیری و تغییرنگرش نخبگان سیاسی و اجتماعی به فقدان نگاه نقش دوم جنسیتی به زنان از طریق رسانه‌های جمعی مستقل، آزاد و متنوع؛

۲- اعمال سازوکار تبعیض مثبت به سود زنان، مانند جهت‌گیری جنسیتی به نفع زنان در برنامه‌های توسعه، تهیه امکانات آموزشی، تخصیص بورس‌های تحصیلی، بیمه طلاق و نظایر آن، همراه با حفظ شأن و کرامت آنان؛

۳- انطباق ساختار حقوقی و اصلاح آن، متناسب با مقتضیات زمان و تغییرات اجتماعی شتابان و نیازهای واقعی و انسانی زنان؛

۴- اجرای کامل قانون اساسی و تعهدات بین‌المللی در اعتلای حقوق زنان برای نیل به فرصت‌های برابر زنان در مقابل مردان، و لحاظ کردن اهمیت مشارکت زنان و اعمال حساسیت جنسیتی در میان برنامه‌ریزان و برنامه‌ریزی‌های توسعه و ارتباطات توسعه؛

۵- تولید مواد آموزشی مناسب برای مسئله جنسیت و ریشه‌کن کردن تعصبات منفی درباره ترقی زنان و اعتقاد به برابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛

۶- آموزش و توان‌مندسازی زنان پلیس با هدف ایفای نقش ایجابی و حمایتی از زنان در مشارکت اجتماعی آنان و فرایند توسعه در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جامعه؛

۷- مهم‌تر از همه مبنا قرار گرفتن اهداف دین در نگرش فقهی به زنان، که تبعیض را برای زنان بر نمی‌تابد با پررنگ شدن تلاش‌های نظری و فقهی عقل محور علمای گرانقدری همچون شیخ مفید (ره) و شیخ انصاری (ره) در دوران

گذشته و برخورداری از پویایی فکری و اجتهادی بزرگوارانی نظیر امام خمینی (ره)، آیت‌الله علامه طباطبایی (ره) و شهید مطهری، در دوران معاصر و اینکه در انطباق احکام دین با اهداف دین کوشش شود. جان کلام اینکه عدالت را، همراه با معنویت و امنیت را، همگام با آزادی کنیم.

### منابع فارسی:

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی توسعه. (چاپ ششم) تهران: کیهان.
- افروغ، عماد (۱۳۷۲). نقد و بررسی رویکردها و نظریه‌های اصلی در زمینه توسعه جهان سوم. در مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی (جلد اول)، تهران: سمت، ۳۴۷-۳۷۳.
- افشاری، زهرا و رمضانی، فرح (۱۳۸۵). تأثیر فناوری اطلاعات بر اشتغال زنان، فصلنامه مطالعات زنان. سال ۴ شماره ۱ بهار، ۲۳-۳۶.
- الوانی، سید مهدی و ضرغامی فرد، مژگان (۱۳۸۰). نقش زنان در توسعه، مجله تدبیر. شماره ۱۱۳.
- باستانی، سوسن (۱۳۸۳). توسعه، برابری و جنسیت، فصلنامه مطالعات زنان. سال دوم شماره چهارم بهار، ۱۷۷-۱۷۸.
- باستانی، سوسن و میزبان، شهناز (۱۳۸۶). شکاف جنسیتی در کاربرد کامپیوتر و اینترنت، فصلنامه مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۱، بهار و تابستان، ۴۵-۶۴.
- پیک سنجش (۱۳۸۷). سال سیزدهم (ویژه نامه شماره ۱) تاریخ ادبی ۱۳۸۷.
- جعفر نژاد، احمد (۱۳۸۴). وضعیت زنان در اشتغال و مدیریت، فصلنامه مطالعات زنان. سال سوم شماره هفتم بهار، ۷۷-۱۰۳.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی (چاپ اول)، تهران: نشر نی.

- خانی، فضیله (۱۳۸۵). جنسیت و توسعه، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خانیکی، هادی (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر نقش‌ها و کاربردهای مطبوعات در توسعه، فصلنامهٔ رسانه، سال ۸، شماره ۱ بهار.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۶). ایدئولوژی، توسعه، دولت و جنسیت؛ تهران، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- زارع، بیژن (۱۳۷۲). نظریه‌های نوسازی، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی (جلد اول) تهران، سمت. ۳۷۵ ش ۴۱۴.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۶). زن و توسعه. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام: <http://www.maslehat.ir>. بازیابی شده در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۸۹.
- سایت خبرگزاری ایران نیوز <http://irannews24.ir> بازیابی شده در تاریخ ۳ بهمن ۱۳۸۹.
- سرواس، جان (۱۳۸۴). دگرگونی در نظریه‌های ارتباطات و توسعه و پیامدهای آن در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتباطی. ترجمهٔ علیرضا حسینی پاکدهی، فصلنامهٔ رسانه، سال ۱۶، شماره ۴، زمستان.
- سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۸۵-۱۳۸۶). نتایج تفصیلی کل کشور. تهران: مرکز آمار ایران.
- سو، آوین بی (۱۳۷۸). تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمهٔ محمود حبیبی مظاهر. تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات راهبردی.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۷۹). برنامه‌ریزی جنسیتی بر پایهٔ واقعیت‌ها، فصلنامهٔ علوم اجتماعی. شماره ۱۱ و ۱۲.
- صابر، فیروزه (۱۳۸۱). راه‌های توسعه کار آفرینی زنان در ایران، تهران: روشنگران.

- عقیلی، سید وحید (۱۳۸۴). توسعه در عصر ارتباطات و جامعه اطلاعاتی، فصلنامه رسانه، سال ۱۶ شماره ۴ زمستان.
- عزیزاده، عبدالرحمان (۱۳۸۴). ارتباطات توسعه و توسعه پایدار، فصلنامه رسانه. سال ۱۶ شماره ۴ زمستان.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فریدمن، جین (۱۳۸۶). فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: آشیان.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴). ساز و کار تبعیض مثبت به مثابه ابزار محرومیت زدایی. فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۳ شماره ۳ پاییز، ۱۱۵-۱۴۱.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه علی پایا، احد علیقلیان، افشین خاکباز و حسین چاوشیان (جلدهای ۱ و ۲ و ۳). تهران: طرح نو.
- کرباسی زاده، مرضیه (۱۳۸۴). سیر تحولات اجتماعی زنان در یکصد سال اخیر، تهران: نشر اکنون.
- گزارش یونسکو (۱۳۷۸). راهبرد میان مدت ۲۰۱۳-۲۰۰۸، تهران: کمیسیون ملی یونسکو - ایران.
- گزارش مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۰۹) در زمینه آمادگی ICT کشورها در سال ۲۰۰۹: بازبایی شده در تاریخ ۳ بهمن ۱۳۸۹ سایت (= پایگاه) اخبار فناوری اطلاعات ایستنا <http://www.ictna.ir>
- گزارش مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۰) درباره شاخص شکاف جنسیتی جهانی در سال ۲۰۱۰، محصول مشترک دانشگاه هاورارد، دانشگاه برکلی کالیفرنیا و مجمع جهانی اقتصاد. بازبایی شده در تاریخ ۱ بهمن ۱۳۸۹ش از <http://www.weforum.org>
- گی روشه (۱۳۷۶). تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی. تهران، نشر نی.

- لاور، رابرت اچ (۱۳۷۳). دیدگاه‌هایی دربارهٔ دگرگونی اجتماعی. ترجمهٔ کاووس سید امامی. تهران: مرکز نشر.
- لرنر، دانیل (۱۳۸۳). گذر جامعهٔ سنتی، ترجمهٔ غلامرضا خواجه سروی. تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات راهبردی.
- محبوبی منش، حسین (۱۳۸۰). مقایسهٔ سلسله مراتب ارزشی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی با دانشجویان دانشگاه تربیت معلم، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشکدهٔ علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- ملکات، سرینواس آر (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات توسعه، ترجمهٔ یونس شکر خواه. فصلنامهٔ رسانه، سال ۱۶ شمارهٔ ۴ زمستان.
- مولانا، حمید (۱۳۸۴). ارتباطات جهانی در حال گذار. تهران: سروش.
- موسوی، سید کمال‌الدین (۱۳۸۴). بار تکفل و عوامل فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر آن، فصلنامهٔ مطالعات زنان، سال ۳ شمارهٔ ۸ پاییز، ۳۱-۴۶.
- میرغفوری، سید حبیب‌الله (۱۳۸۵). شناسایی و رتبه‌بندی عامل‌های مؤثر در گماشته نشدن زنان به پست‌های مدیریتی، فصلنامهٔ مطالعات زنان. سال ۴، شمارهٔ ۱ بهار، ۱۰۱-۱۲۲.
- وزارت امور خاجه - اداره امور بین‌المللی زنان (۱۳۸۲). جایگاه زنان در سایر کشورها، (جلد اول) تهران: وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
- هافکین، نانسی و تاگارت، نانسی (۱۳۸۳). تحلیل بر جنسیت و فناوری اطلاعات در کشورهای در حال توسعه. ترجمهٔ حسین شعبانعلی قمی و امیر حسین علی بیگی. تهران: پژوهشکدهٔ زنان دانشگاه الزهرا(س).

## انگلیسی

- Alvares , C.(1992). Science .in w. sachs (ed), Development dictionary (pp.219-232).London:Zed.
- Braidotti,R.charkieiwicz, e,Hausler,s,and wieringa,s.(1994) Women,the enviroment and sustainable development.London:zed.
- Foucault, M (1980). Powerful Knowlege.New york: Pantheon.
- Galtung.J. (1980), True Worlds, A transnational Perspective. New york: Free Press.
- Latouche, S (1992). Standard of Living. In \ XI. Sachs (ED), Development dictionary (Pl.250-263). London: Zed.
- Tehrani, M.(1994). Communication and Development In D.Crovvley and D. Virchell (Eds).(1977). Communication Theory Today (Pl.274-306). Stanford, CA: Stanford University Press.
- Lederer, k. (Ed) .(1980). Human needs: A contribution to the current debate, Knigsteln: Oelgeschlager.
- Leman, D (Ed) (1979). Development: Four critical studies. London: Frank Casso.
- Sachs,L. (Ed) .(1980). Strategies development. Paris: Presses Ouvrleres.
- The fight against exreme Poverty, an intersectoral, UNES CO,SHS Veivs, 14, 2006.